



درباره آغاز به کار بخش هنر و معماری مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

# وقتی پاکسازی شدم، به دائرة المعارف دعوت شدم



محمدحسین سمسار

مدیر پیشین و مشاور عالی بخش هنر و معماری و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی



محمدحسین تبرانیان، صادق سجادی، محمدحسین سمسار و غلامحسین ابراهیمی دینانی

دکتر هادی شفافیه چندین ماه برای یادداشت برداری و عکاسی از اشیاء وقت صرف کرده بودیم. کتاب زیر چاپ بود که دولت آموزگار ساقط شد و پس از چند دولت نیز انقلاب شد و کتاب وقتی به دست ما رسید که نخست‌وزیری تخلیه شده بود و به ما گفتند سهم کتاب شما را در نخست‌وزیری گذاشته‌ایم.

در بحبوحه سال‌های نخست پس از انقلاب، آقای ذکا و من مشغول نوشتن کارهای مشترک بودیم که مطلع شدم آقای بجنوردی دائرة المعارف جدیدی ایجاد کرده و در نظر دارد که بخش هنر هم داشته باشد. دکتر فتح‌الله مجتبیایی، به مرحوم ذکا گفته بود، من شما را معرفی کرده‌ام تا بخش هنر را پایه‌گذاری کنید. ایشان نیز گفت با هم برویم زیرا ما همواره با یکدیگر کار می‌کردیم. من هم‌زمان با انقلاب بازنشسته شده بودم و روی کارهای عقب‌افتاده خودم کار می‌کردم و کار اداری نداشتم. بنابراین تقریباً پاکسازی شدم و به‌صورت بازنشستگی به خدمت من پایان داده شد. ما به ساختمان پیشین دائرة المعارف رفتیم و خدمت آقای بجنوردی رسیدیم. هم‌زمان با ملاقات من و آقای ذکا، مرحوم پرویز مرزبان

در اواخر حکومت پهلوی که عضو وزارت فرهنگ و هنر بودم، از آن آثاری منتشر شد که بخش عمده‌ای از آن مقالاتی در ماهنامه هنر و مردم و در زمینه‌های مختلف هنر و مردم‌شناسی بود. هم‌زمان در همین دوره از من خواسته شد کتابی برای رشته جدیدی بنویسم که در آموزش و پرورش ایجاد شده بود و با کاری عملی همراه بود که عنوانش را یادم نیست اما درباره تاریخ هنر ایران بود که کتاب درسی شد. هم‌زمان با این دو، فعالیت تحقیقی نیز انجام می‌دادم. در همین اثنا جمشید آموزگار، نخست‌وزیر شد. او یک همسر اتریشی داشت که سخت به آثار هنری علاقه‌مند بود و در مجموعه کاخ نخست‌وزیری نیز یک کلکسیون از آثار هنری ایران وجود داشت.

آن خانم با وزارت فرهنگ و هنر تماس گرفته و خواسته بود که این مجموعه به یک کتاب بدل شود. در آن دوره دکتر صادق کیا از استادانم در دانشگاه تهران، مرحوم یحیی ذکا و من را به مأمور تهیه این کتاب معرفی کرده بود. در نتیجه به ما دو نفر مأموریت داده شد که این مجموعه را به کتاب تبدیل کنیم. ما به‌همراه

مفصلی کردیم. به تشکیل بخش هنر در دائرة المعارف بزرگ اسلامی دعوت کرد اما مرحوم بهمن بوستان، قبل از ما آمده بود و اتاقی گرفته بود. اتاقی که از کل ساختمان مجزا و مسلط به خیابان بود و مقداری از کتاب‌های هنری را هم جمع کرده بود. او هنرمند، شاعر و نویسنده بود اما اهل هنر رسمی و سابقه‌دار ایران نبود. اما بعد از آمدن ما دائرة المعارف را ترک کرد و آقای ذکا به‌عنوان مسئول مدیر و من هم به‌عنوان همکار، بخش هنر را تشکیل دادیم و به‌علت سابقه کاری که در وزارت فرهنگ و هنر داشتیم و در موزه‌ها کار کرده بودیم، بخش هنر را پایه گذاشتیم.

که کتاب فرهنگ مصور هنرهای تجسمی را به‌صورت مشترک چاپ کرده بود نیز دعوت شده بود. آقای بجنوردی داشت با مرزبان صحبت می‌کرد و می‌گفت ما خیال داریم یک بخش هنر تشکیل دهیم. شما چه نقشی می‌توانید برای ما ایفا کنید؟ آقای مرزبان نه مرا می‌شناخت و نه آقای ذکا را اما کتاب ما را دیده بود. مرزبان گفت دانش من در حد دانش آقای ذکا و سمسار نیست. ما هم آن‌جا نشسته بودیم و ما را نمی‌شناخت. آقای بجنوردی به او گفت این دو نفری که تو می‌گویی پیش من نشسته‌اند. بعد خداحافظی کرد و رفت. آقای بجنوردی ما را پس از آن‌که صحبت

یادی از در محضر «احمد منزوی» بودن در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

## پذیرای استادان طراز اول



علی میرانvari

معاون بخش ادبیات و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

اقبالی بلند داشتیم که در دوران جوانی و بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، وارد مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی شدم. این مرکز از آغاز شروع به کار خود، پذیرای استادان طراز اول کشور بود. استادانی که برخی از آن‌ها مورد بی‌مهری هم قرار گرفته بودند. آقای بجنوردی همه آنان را به این مرکز دعوت کرد و به هر کدام مسئولیتی علمی واگذار کرد و ما که یکی دو نسل پس از آن‌ها قرار داشتیم، زیر نظرشان شروع به کار کردیم. برای مثال دکتر سیدفتح‌الله مجتبیایی در آن زمان مدیر بخش ادبیات و هم‌زمان، بخش عرفان هم بود. در آن سن به‌تازگی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده بودم. من یک‌باره با این شخصیت برجسته مواجه شدم. در حوزه ادبیات، سؤالات بسیاری برای من پیش می‌آمد که پناهم ایشان بود. این اتفاق بزرگی بود. هفته‌ای چندبار نزد ایشان می‌رفتم. مقهور شخصیت‌شان بودم و هستم. نخستین ویرایش‌ها بر مقالات من توسط ایشان صورت گرفت. از تک‌تک موارد ویرایشی درس می‌گرفتم. پس از یکی دو سال، استاد احمد منزوی به مرکز ملحق شد. من که اساساً به نسخه‌های خطی و فهرست‌نگاری علاقه بسیار داشتم، حضور استاد منزوی را مغتنم دانستم و گاه و بیگاه به بخش ایشان مراجعه و سؤالاتم را با وی مطرح می‌ساختم و گاهی نیز با فرصت بیشتری، برخورد وی را با نسخه‌های خطی زیر نظر می‌گرفتم و روش او را در فهرست‌نگاری می‌آموختم.

درباره «صورت» و «محتوا»ی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

## به‌مثابه دانشگاه



فرامرزحاج‌منوچهری

معاون بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

دائرة المعارف بزرگ اسلامی مثل هر پدیده دیگری یک صورت دارد و یک محتوا. هر پدیده‌ای چنین است. صورت دائرة المعارف بزرگ اسلامی جوانب مختلفی دارد: آثاری که در این مرکز پژوهش و سپس منتشر شده است، از جمله مجموعه مجلدات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ترجمه‌هایی که از آن به عربی و انگلیسی صورت گرفته و همچنین دانشنامه‌های دیگری که به چاپ رسیده است. کتابخانه دائرة المعارف نیز هست که به جرئت می‌توانم بگویم یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های تخصصی در علوم انسانی و اسلامی کشور است. در بخش محتوا دائرة المعارف از همان ابتدا، کار را با همکاری برخی از بزرگان محافل علمی ایران آغاز کرد و سپس نسل من یعنی نسل دوم در دائرة المعارف حضور پیدا کرد. نسل اول کسانی مانند زنده‌یادان دکتر شرف‌الدین خراسانی، دکتر عنایت‌الله رضا، دکتر آذرتاش آذرنوش و بسیاری کسان دیگر که نام بردن از آن‌ها اگر چه همیشه مغتنم و بجاست، اما که‌گاه غمی را به دل می‌آورد. حضور این بزرگان و ایجاد ارتباط علمی با نسل دوم در قالب ارتباط گفتاری، و نه لزوماً جلسات رسمی اسباب آن را فراهم می‌کرد تا اگر سؤالی برایمان پیش می‌آمد، از محضرشان بهره ببریم. همیشه این جمع‌های علمی در اتاق‌های مختلف و در راهروها جریان داشت و حتی هنگامی که برای استراحت به حیاط دائرة المعارف می‌رفتیم، فضای علمی حاکم بود و از دانش نسل پیش استفاده می‌کردیم و از این‌رو به‌مثابه دانشگاه بود.